

## A comparative study of the knowledge of the judge in Imami jurisprudence and criminal law in Iran and Europe

Received: 2023-06-09

Pp. 103-132

Accepted: 2023-08-18

Mazaher Khajevand<sup>\*1</sup>, Mohammad Mehdi Ahmadi<sup>2</sup>

### Abstract

**Background and purpose:** The science of the judge is sometimes the science of persuasion due to Shari'i evidence. This type of sensory science is placed during proofs and is used in the phase of checking evidence or valuing evidence. After proving the reason, there is no more room for not sticking to the reason and the judge issues a verdict based on the legal reason. The knowledge of the judge is sometimes derived from the judicial emirate. This type of sensory science is an independent reason, in other words, it is placed in front of other reasons. The validity of this type of evidence in the crimes of divine right and human right is always one of the disputed issues between the jurists, including the early and late jurists, in the light of comparative jurisprudence, which is of the type of acquired knowledge and extracted from the contents of the case. In European criminal law, the judge's knowledge is derived from judicial emirates and scientific evidence is basically positive for all types of crimes. Currently, Iranian criminal law is a combination of jurisprudence and European thought. The purpose of the current research is to revise the epistemological foundations of the science of the judge in the measure of comparative comparative studies in order to identify the legal gap and provide new solutions.

**Method:** The current research is of descriptive and analytical type and data analysis was done in the form of libraries and flash sampling.

**Findings:** This research shows that the legislator's lack of attention to the patterns and principles governing comparative law in the adaptation of each of the concepts in terms of legislation and rule-making has led to contradictions that innovation in the system of objectivity of evidence with the acceptance of science contrary to it and worshipping Shari'i evidences in proving penal crimes are among them.

**Results:** A comparative study has shown that in Imami jurisprudence, even though the possibility of a mujtahid judge's departure from neutrality is considered unlikely, the judge can rely on his personal knowledge. In Iranian criminal law, the judicial procedure is based on the validity of the judge's knowledge and it is based on They have considered the principle of preference over other evidences. In European law, the system of persuasive evidence is the principle and the judge's positive knowledge of all crimes, and the judge's appeal to personal knowledge is against the principle of impartiality. In common law, it is accepted exceptionally in cases where the judge has expertise in that field, and in Roman Germanic law, it is the standard. Proving a crime is persuading the judge's conscience.

**Keywords:** Judge's science, Judicial emirate, Discovery of the truth, Evidential value and power, Decisive and suspicious evidence.

**Citation (APA):** Khajevand, M. & Ahmadi, M M. (1402). A comparative study of the knowledge of the judge in Imami jurisprudence and criminal law in Iran and Europe. *Quarterly of Supervision and Inspection*, 17 (64), 103-132.  
DOI: [10.22034/SI.2023.100903](https://doi.org/10.22034/SI.2023.100903)

1. Assistant Professor of criminal Law and criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (corresponding author) (Email: mazaherkhajvand@gmail.com)
2. Associate Professor Jurisprudence and Fundamentals of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Email: Ahmad@qom-iau.ac.ir)



## مطالعه تطبیقی علم قاضی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران و اروپا

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۷

صص ۱۰۳-۱۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

مظاهر خواجهوند<sup>۱\*</sup>، محمدمهدی احمدی<sup>۲</sup>

## چکیده

**زمینه و هدف:** علم قاضی گاهی علم اقناعی ناشی از ادله شرعی است. این نوع علم حسی در طول ادله قرار می‌گیرد و در مرحله بررسی دلیلیت یا ارزش‌گذاری دلیل به کار می‌رود. پس از اثبات دلیلیت، دیگر مجالی برای عدم تمسک به دلیل باقی نمی‌ماند و قاضی بر مبنای دلیل قانونی حکم صادر می‌کند. علم قاضی گاهی ناشی از امارات قضایی است. این نوع علم حسی، یک دلیل مستقل و به‌عبارتی در عرض سایر ادله قرار می‌گیرد. حجیت این نوع دلیل در جرائم حق الهی و حق الناس همواره از موضوعاتی مورد مناقشه بین فقها اعم از فقه‌های متقدم و متأخر در پرتو فقه مفسران است که از نوع علم حصولی و مستخرج از محتویات پرونده است. در حقوق کیفری اروپایی نیز علم قاضی ناشی از امارات قضایی و ادله علمی اصولاً مثبت انواع بزهکاری است. در حال حاضر، حقوق کیفری ایران ترکیبی از تفکر فقهی و اندیشه اروپایی است. هدف پژوهش حاضر، اصلاح مبانی معرفت‌شناختی علم قاضی در سنجه مطالعات مقارن‌های تطبیقی است تا از این رهگذر خلأ قانونی مشخص و راهکارهای نوین ارائه شود.

**روش:** پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی بوده و تحلیل اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است.

**یافته‌ها:** این پژوهش نشان می‌دهد که بی‌توجهی مقنن به الگوها و اصول حاکم بر حقوق تطبیقی در اقتباس از هر یک از انگاره‌ها از حیث قانون‌گذاری و قاعده‌سازی تضادهایی را به‌همراه داشته است که بدعت‌گذاری در نظام موضوعیت ادله با پذیرش علم برخلاف آن و تعبیدی کردن ادله شرعی در اثبات جرائم تعزیری از جمله آن‌هاست.

**نتایج:** مطالعه تطبیقی نشان داده که در فقه امامیه با وجود اینکه امکان خروج قاضی مجتهد را از بی‌طرفی بعید دانسته‌اند اما قاضی می‌تواند به علم شخصی خود استناد کند، در حقوق کیفری ایران نیز رویه قضایی بر حجیت علم قاضی بوده و آن را از باب قاعده تراجیح بر سایر ادله متقدم دانسته‌اند. در حقوق اروپایی، نظام ادله اقناعی اصل و علم قاضی مثبت کلیه جرائم است و توسل قاضی به علم شخصی برخلاف اصل بی‌طرفی است، در «کامن لا» استثنائاً در مواردی که قاضی در آن زمینه تخصص داشته باشد مورد پذیرش است و در حقوق رومی ژرمنی معیار اثبات جرم، اقناع وجدان قاضی است.

**کلیدواژه‌ها:** علم قاضی، امارات قضایی، کشف حقیقت، ارزش و توان اثباتی، ادله قطع‌آور و ظن‌آور.

**استناد (APA):** خواجهوند، مظاهر و احمدی، محمدمهدی (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی علم قاضی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران و اروپا. *فصلنامه نظارت و بازرسی*، ۱۷(۶۴)، ۱۰۳-۱۳۲.

DOI: [10.22034/SI.2023.100903](https://doi.org/10.22034/SI.2023.100903)

۱. استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران. (رایانامه نویسنده مسئول: mazaherkhajvand@gmail.com)

۲. دانشیار فقه و مبانی حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (رایانامه: Ahmad@qom-iau.ac.ir)



کاربست علم قاضی به‌عنوان ابزار دادرسی در فرایند اثبات کیفری از موضوعاتی است که در فقه امامیه، نظام حقوق کیفری ایران و اروپا (رومی ژرمنی - کامن لا) صرف‌نظر از نوع مدل‌های حاکم بر دادرسی (دادرسی‌های منصفانه - الگوی کنترل جرم) مورد توجه و امعان نظر قرار گرفته است (پاکر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۱۱۳). اما از حیث معرفت‌شناختی یا نظریه علم دانش که دربردارنده مبناشناسی (تأثیر مبانی فکری بر ادله اثبات کیفری)، ضرورت‌شناسی (دستیابی به اهداف عالیه دادرسی کیفری) و روش‌شناسی و هدف‌شناسی (در جهت رعایت اصول و استفاده از ابزارهای مناسب برای کشف حقیقت صوری/ ماهوی) است با یکدیگر دارای وجوه اشتراک و افتراق می‌باشند. وجوه افتراق حادث‌شده عمدتاً متأثر از مبانی فکری و تحولات تاریخی است که در گذر از سه مرحله فلسفی، سیاسی و حقوقی شکل گرفته است. دیدگاه فلسفی اروپایی معتقد به انسان‌محوری، خود قائل به دیدگاه سیاسی با حاکمیت انسان است و با تفاوت نگرش در فردمحوری و جمع‌محوری به‌ترتیب حکومت سیاسی با الگوی لیبرال دموکراسی و سوسیالیست ارائه کرده که خود پایه‌گذار دیدگاه حقوقی با مکتب حقوق طبیعی و فردی و سیستم دادرسی اتهامی در الگوی فردمحور و مکتب حقوق تحقیقی و اجتماعی و سیستم دادرسی تفتیشی در مدل جمع‌محور است. دیدگاه فلسفی اسلام نیز با اعتقاد به خدامحوری، خود قائل به دیدگاه سیاسی با حاکمیت خداست. این نگرش حاکمیت سیاسی با مدل حکومت اسلامی را ارائه می‌کند که خود پایه‌گذار دیدگاه حقوقی با مکتب حقوق نظری و الهی و سیستم دادرسی اسلامی است. حقوق موضوعه ایران معتقد به دیدگاه فلسفی اسلامی است اما در دیدگاه سیاسی حقوقی بی‌تمایل به ترکیب میان مبانی فکری اروپایی و اسلامی نبوده است؛ به‌طوری‌که در دیدگاه سیاسی و مدل حکومتی، مقوله مردم‌سالاری دینی را ارائه کرده و در دیدگاه حقوقی از سیستم دادرسی مختلط بهره‌جسته است. به‌طور کلی، در حقوق جزای آیینی برای

1. Packer

دست‌یازیدن به معرفت صحیح و صائب دو پیش‌فرض وجود دارد. نخست وجود جهل موضوعی که در هر سه نظام مشترک است اما در پیش‌فرض دوم که همانا به‌کارگیری طریقی برای خروج از جهل است در برخی موارد با یکدیگر تفاوت دارند. یکی از این تفاوت‌ها در ساختار دادرسی کیفری و در حوزه ادلّه اثبات کیفری ناظر به حجیت علم قاضی در اثبات جرائم است (موحدی، ۱۳۹۵: ۳). تفرّق اندیشه‌ها و تغایر مبانی فکری در اندیشه فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و اروپایی موجب شده است که علم قاضی در خاستگاه هر یک در برخی زمینه‌ها متفاوت بوده و حجیت یکسانی نداشته باشد؛ از این‌رو، پژوهش حاضر سعی وافر دارد تا در ساحت دیدگاه‌های مطرح‌شده و با تدقیق در اندیشه‌های فقهای امامیه و مشاهیر حقوق کیفری ایران و اروپایی، نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی و درنهایت راهکارهای تقنینی برای ارتقای سامانه دادرسی کیفری پیش‌روی قانون‌گذار ایران قرار دهد.

## ۲. اهداف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، تصحیح جایگاه علم قاضی در فرایند دادرسی کیفری از نظرگاه فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و اروپا است. به قول نی بویه (حقوق‌دان شهیر فرانسه، حقوق تطبیقی، مانند نورافکنی است که بنای حقوق داخلی را روشن و ریزه‌کاری‌های آن را مجسم می‌سازد. بر مبنای چنین پژوهشی در جهت شناسایی خلأهای قانونی و با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استحال و دگردیسی بنیادین در نظام ادلّه اثبات کیفری حادث شد، عمده دگردیسی‌های موجود در نظام ادلّه اثبات کیفری از یک‌سو تعدیل کردن نظام ادلّه قانونی و تعبدی و نزدیک کردن آن به نظام ادلّه اقماعی یا کاوشی است و از دیگر سو، عدم شفافیت قانون‌گذاری در بیان حجیت و توان اثباتی علم قاضی ناشی از امارات قضایی در اثبات انواع جرائم است؛ لذا هدف پژوهش حاضر آن است که با مطالعه تطبیقی ضمن احترام به مرزهای عقیدتی و احتراز از نگرش تعبدی محض از حیث آسیب‌شناختی، خلأهای تقنینی را

شناسایی و پیشنهادهایی در جهت رفع تعارض و خلأهای موجود در نظام حقوقی کشورمان ارائه کند و از صدور آراء متعارض جلوگیری به عمل آورد.

### ۳. سؤال‌های پژوهش

۱-۳. از حیث حجیت علم قاضی، معیار اثبات جرم، مبادی علم قاضی و نقش قاضی در تحصیل ادله و تعارض آن با سایر ادله در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و اروپا چه وجوه اشتراک و افتراقی می‌توان استخراج کرد؟

۲-۳. سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه ادله اثبات جرائم تا چه اندازه توانسته است از نقاط قوت دیدگاه‌های فقه امامیه و حقوق اروپایی بهره‌مند شود؟

۳-۳. چه راهبردهایی را می‌توان در ساحت اندیشه‌های فقهی و اروپایی برای ارتفاع خلأهای موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ارائه کرد؟

### ۴. پیشینه پژوهش

۱. حیدری (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲» انجام داده است و پس از بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق کیفری و اشاره به برخی از نوآوری‌های این قانون به این نتیجه رسیده که تدابیر اختیارشده از سوی مقنن در قانون مطرح‌شده بسیاری از ابهامات گذشته را پوشش داده است.

۲. همت و حیدرپور (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «جستاری به رویکرد نظام کیفری ایران به اثبات معنوی (با تأکید بر مفهوم علم قاضی)» انجام داده‌اند و پس از بررسی سیر تحول و تطوّر قانون‌گذاری و تحلیل دکتترین و رویکرد رویه قضایی به علم قاضی به این نتیجه دست یافته‌اند که بررسی مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که علم و اقناع وجدان قاضی در طول سایر ادله قرار دارد و معیار اثبات دعاوی قرار گرفته است.

۳. کلانتری و سلمانپور (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «جایگاه علم قاضی در اثبات امر کیفری در حقوق ایران»، پس از بررسی علم قاضی از منظر دکترین و ماهیت و اعتبار علم قاضی و مراد مقنن از موضوعیت داشتن ادله شرعی و جایگاه علم قاضی در اثبات انواع جرائم و بررسی آن در آراء و تصمیمات قضایی دقیقاً به نتایج پژوهش‌های قبلی دست یافته و عمدتاً درصدد تبیین نظریه‌ها و رویه‌ها (بدون مبناکاوی در نظام‌های دیگر) در پهنه سیاست جنایی تقنینی/قضایی ایران بوده‌اند.

۴. محقق داماد و کیخای فرزانه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ادله اثبات دعوا با توجه به جایگاه علم قاضی با مطالعه موردی تعارض ظواهر و اصول عملیه» پس از بررسی نظام‌های حاکم بر ادله اثبات کیفری به بررسی جایگاه علم قاضی در فقه امامیه و حقوق ایران و بررسی امارات و ارتباط آن با ظواهر و تعارض اصل و ظاهر پرداخته‌اند.

۵. آلن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) نیز در کتاب *راهنمای عملی/ادله معتقد است که علم قاضی، علم عادی و حصولی از محتویات پرونده است و در صورتی که قاضی در موضوع موردنظر متخصص باشد می‌تواند بر مبنای علم شخصی عمل کند.*

### ۵. مبانی نظری پژوهش

در این مبحث، در ابتدا به نظریه عمومی دلیل و سپس به ارزیابی دلیل کیفری اشاره می‌شود.

#### ۵-۱. نظریه عمومی دلیل

نظریه عمومی دلیل در دادرسی کیفری بر سه نظریه استوار است: ۱- نظریه موضوعیت داشتن دلیل؛ ۲- نظریه طریقت داشتن دلیل؛ و ۳- نظریه مختلط بودن دلیل.

1. Allen

## ۲-۵. نظریه موضوعیت داشتن دلیل

گاهی شارع یا قانون‌گذار برای اثبات جرم به موضوعیت داشتن دلیل اعتقاد دارد؛ یعنی ادله احصاء شده به دادرس تحمیل می‌گردد. هرچند راهی برای رسیدن به واقع نباشد؛ به عبارت دیگر، منظور این است که دلیل مورد نظر نسبت به ادله دیگر خصوصیتی را دارا است که مورد نظر شارع بوده است. در حقیقت وقتی دلیل شرعی موضوعیت دارد، اصل ثبوت حکم وابسته به آن است.

## ۳-۵. نظریه طریقت داشتن دلیل

یعنی دلیل اقامه شده به مثابه طریقی به سوی واقع و صرفاً امری اثباتی است. برخی بر این باورند که وصف «طریقت» وصف ذاتی ادله است به گونه‌ای که از آن قابل تفکیک نیست؛ یعنی دلیل همان گونه که از نامش پیداست، دلالت‌کننده به سوی حقیقت است و تمامی ارزش و اعتبار خودش را از وصف دلالت‌کنندگی می‌گیرد (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۹). این دسته از حقوق‌دان‌ها با تأسی از پیروان نظریه «مخطئه» در اصول فقه، قائل به طریقت کلیه ادله خاص و امارات در ادله اثبات دعوی «طریق القاضی» می‌باشند و صرفاً در جایی که هیچ راهی برای احراز حقیقت وجود نداشته باشد، توسل به اصول عملیه مانند براءت و استصحاب و تخییر و احتیاط را به عنوان ادله فقهی واجد وصف موضوعیت با تأسی از پیروان نظریه (مصوبه) دانسته‌اند.

## ۴-۵. نظریه مختلط بودن دلیل

بر طبق این نظریه شارع و مقنن در جرائم مستوجب حد، قصاص و دیه برای دلایل احصاء شده وصف موضوعیت و برای جرائم مستوجب تعزیر، وصف طریقت پیش‌بینی کرده است.

## ۵-۵. ارزیابی دلیل

ارزیابی دلیل از ارزیابی شکلی دلیل شروع و با ارزیابی ماهوی آن خاتمه می‌یابد.

## ۵-۶. ارزیابی شکلی دلیل

بررسی دقیق دلیل از حیث مؤثر بودن یا نبودن دلیل، بر اساس ویژگی دلیل و چگونگی ارائه آن و اعلام قبول یا رد دلیل به حکم وجدان را ارزیابی شکلی دلیل می‌نامند؛ به عبارت دیگر، اختیار دادرس در ارزیابی شرایط موضوع دلیل (وجودی بودن موضوع دلیل، اثر قانونی و مشروع بودن موضوع دلیل و ممکن بودن آن به حکم عقل و عادت) و اختیار دادرس در شرایط عمومی دلیل (مؤثر بودن دلیل و مرتبط و قابل استناد بودن و قدرت اثباتی دلیل و مبهم نبودن) را ارزیابی شکلی دلیل می‌نامند.

## ۵-۷. ارزیابی ماهوی دلیل

پس از ارزیابی شکلی دلیل، نوبت به ارزیابی ماهوی دلیل می‌رسد. ارزیابی ماهوی یعنی سنجش و سبک و سنگین کردن دلیل از حیث وزن دلیل. در این نوع ارزیابی دادرس در پی آن است که تأثیر دلیل را به وجدان خود بیابد و آن را مبنای صدور رأی خویش قرار دهد (مختاری، ۱۳۹۳: ۳۴).

## ۶. روش شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ چپستی و هدف جزء تحقیقات اسنادی و کاربردی است و از لحاظ ماهیت و روش تحلیل داده‌ها جنب توصیفی و تحلیلی دارد؛ به طوری که علاوه بر مطالعه تطبیقی و تشریح اندیشه‌های فقها و دکترین حقوقی (نظریه‌ها) آراء قضایی (رویه‌ها) نیز از نظر دور نمانده است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و از منابع متنوع اعم از کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع فراهم شده است. در نهایت، اطلاعات و داده‌های این پژوهش به شیوه استدلالی، عقلانی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



علم قاضی گاهی در معنای دانش و آگاهی است که برای قضاوت لازم است به کار می‌رود و گاهی به معنای آگاهی و دانش است که برای قاضی از طریق ادلّه ابرازی و بررسی پرونده و تحقیق از اصحاب دعوی حاصل می‌شود که به علم حصولی یا علم حاصل از ادلّه اشتهار دارد و در معنای سوّم علم قاضی به معنای آگاهی و دانش قاضی است که خارج از پرونده و ادلّه ابرازی و از طریق دیدن و شنیدن ایجاد می‌شود که به علم شخصی یا علم ناشی از حضور قاضی تعبیر شده است که دو معنی اخیر موضوع بحث حاضر قرار می‌گیرد.

۷-۱-۱. حجّیت علم قاضی در فقه امامیه

حجیت علم قاضی همواره از موضوعات مورد مناقشه بین فقهای متقدم و متأخر به‌شمار می‌رود. گروهی از فقها قائل به حجیت و اعتبار مطلق قاضی شده‌اند. این نظریه، نظریه اظهر و مشهور فقهای امامیه است. صاحب جواهر می‌نویسد: «در میان اصحاب ما اختلافی در این‌که امام مطلقاً در حقوق‌الله و حقوق‌الناس می‌تواند بر طبق عملش حکم کند، وجود ندارد. در «انتصار» و «غنیه» و «ایضاح» و «نهج‌الحق» و غیره بر آن اجماع قائل شده و آن حجیت بلامنازع است. غیر از امام همگی قضات می‌توانند در حقوق‌الناس بر طبق علم خود داوری کنند و در حقوق‌الهی فقها بر دو قول‌اند که اصح‌القولین جواز قضاء و حکم طبق علم در حقوق‌الهی است و در انتصار و غنیه و محکی و خلاف و نهج‌الحق و سرائر بر این مطلب اجماع شده است.» (نجفی، ۱۳۶۲: ۸۲). علامه طباطبایی در «ریاض‌المسائل» و شهید ثانی در «مسالك الافهام» و فخرالمحققین در «ایضاح‌الفوائد» دلایلی را بر این امر آورده‌اند؛ از جمله آن‌که ادعای اجماع وجود دارد و ادعای اولویت علم قاضی بر بینه و عدم عمل به علم قاضی موجب عدم وجوب انکار منکر و همچنین موجب توقف و نکول دعوی خواهد شد و آن برخلاف مصالح و عموم است و عدم متابعت از علم موجب فسق و گناه کبیره و خلاف عدالت است. نظر نخست منطبق با آیه ۳۶ سوره

مبارکهٔ إسرائ «وَلَا تَفُفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» می‌باشد. گروه دوم قائل به عدم جواز علم قاضی به‌طور مطلق هستند و استنباط آنان در راستای حدیث نبوی «انما أفضى بالبينات و الايمان» است که طرق اثبات دعوی به بینه و سوگند منحصر شده است که البته آیات عظام طباطبایی و شهید کافی و فخرالمحققین دلایلی را بر اثبات این نظریه نیز ارائه کرده‌اند؛ از جمله آن که اگر قاضی به علم خود عمل کند در مظان اتهام قرار می‌گیرد و عمل به علم قاضی برخلاف قاعده سمحه و سهله و امتنانی «ادراء الحدود بالشبهات» و مدرک شرعی «احتیاط در دماء» است. علاوه بر این، عمل به علم قاضی موجب ادعای تزکیه نفس قاضی بوده و این امر قبیح است. شهید ثانی می‌فرماید از ظاهر کلام سید مرتضی آشکار است که ابن‌جنید اسکافی از قائلین این قول است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۸۴). گروه سوم فقهای هستند که علم قاضی را در حق الناس دارای حجیت دانسته‌اند و در حق الله معتبر نمی‌دانند. شهید ثانی در «مسائل الافهام» و فخرالملک المحققین در «یضاح الفوائد» ابن‌ادریس را مبدع آن دانسته‌اند، در حالی که ابن‌ادریس در کتاب «سرائر الحاوی التحریر الفتاوی» بیان کرد: «عندنا للحاکم ان یقضی بعمله فی جمیع الاشیاء» یعنی از قول اول که همانا اعتبار مطلق علم قاضی است متابعت کرده است. به نظر می‌رسد نخستین کسی که در میان فقهای امامیه این نظر را ابراز کرده، ابن‌حمزه در سال ۵۶۰ هـ ق. بوده است. گروه چهارم فقهای هستند که علم قاضی را صرفاً در جرائم حق الهی دارای حجیت دانسته‌اند و در حق الناس معتبر نمی‌دانند. گفته شده که ابن‌جنید اسکافی در اظهار نظر دیگری در کتاب «مختصر حمدی» اعتبار علم قاضی را در حقوق الله پذیرفته و در حقوق الناس انکار کرده است (انصاری، ۱۴۱۵: ۹۵). این که قانون‌گذار ایران کدام یک از دیدگاه‌های مذکور را پذیرفته است، در مبحث بعدی به آن خواهیم پرداخت.

## ۱-۲-۷. حجیت علم قاضی در حقوق کیفری ایران

به متابعت از اصل چهارم قانون اساسی به‌عنوان یک مقرر فراتقنینی کلیه قوانین می‌بایست مطابق با شرع انور اسلام باشد؛ از این‌رو، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ علم قاضی ناشی از امارات قضایی را به‌عنوان ادلهٔ مستقل

و در عرض سایر ادله مورد پذیرش قرار دارد. اما تعارض آراء در حجیت علم قاضی در فقه امامیه سبب شد تا حقوق‌دان‌ها نیز در برداشت از متون قانونی دچار تشتت آراء گردند؛ به طوری که پیشینه قانون‌گذاری و سیر تحول و تطور آن در باب علم قاضی مؤید این مدعا است. برای نمونه علم قاضی در مواد ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۹۹ و ۲۳۱ این قانون به‌عنوان ادله اثبات جرم مورد توجه تدوین‌کنندگان قانون بود. مقنن در ماده ۱۰۵ قانون مذکور مقرر داشت: «حاکم شرع می‌تواند در حق‌الله و حق‌الناس به علم خود عمل کند و حدود الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند.» با وجود چنین تصریحی، اما همچنان در خصوص حجیت علم قاضی در برخی جرائم مانند زنا محل بحث و تشاجر بود؛ به طوری که چنین استنباط می‌شد اگر مقنن علم قاضی را مثبت وقوع زنا می‌دانست می‌بایست در باب ثبوت زنا و در مواد ۶۸ الی ۸۱ در کنار اقرار و شهادت به علم قاضی نیز اشاره می‌کرد و چون در مقام بیان سکوت کرده و از طرف دیگر ماده ۱۰۵ قانون مطرح‌شده نیز ذیل باب کیفیت اجرای حد آمده نه ثبوت زنا، لذا علم قاضی در اثبات زنا دلالت ندارد.

در ادامه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این اختلافات پایان بخشید. از یک طرف ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ علم قاضی را در کنار سایر ادله شرعی به‌عنوان دلیل اثباتی جرم به‌طور علی‌الاطلاق مورد پذیرش قرار داد.<sup>۱</sup> این ماده مقرر می‌دارد: «در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد اثبات می‌شود قاضی به استناد آنها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم بر خلاف آن داشته باشد.» و در ماده ۱۶۲ بیان می‌دارد: «هر گاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد می‌تواند به‌عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر موجب علم قاضی شود.» ماده ۲۱۱ نیز اشعار می‌دارد: «علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم علم

۱. قابل ذکر است که رویه قضایی علم قاضی را مثبت کلیه جرائم دانسته است. برای آگاهی بیشتر رک به: مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور در امور کیفری، چاپ اول، تهران: اداره انتشار رویه قضایی کشور، ۱۳۹۲؛ صفحات ۳۰۸، ۷۵۲، ۸۷۳، ۱۱۶۱، ۱۱۶۵.

قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند.» با توجه به اطلاق برخی مواد در حجیت علم قاضی در اثبات کلیه جرائم هرچند به تخالف و تهافت سابق خاتمه داد اما پذیرش علم برخلاف ادله شرعی که جنبه موضوعیت و تبعیدی داشته، اختلافات جدیدی را پیش‌رو نهاده است که برای ایضاح مطالب نگارندگان چهار حالت کلی را با توجه به مواد پیش‌گفته ترسیم کرده‌اند که هر یک در قالب سه حالت جزئی قابل انقسام است و بر این اساس، خلأ قانونی از حیث آسیب‌شناختی هویدا خواهد شد. حالت نخست آن است که اگر ادله شرعی (با رعایت نوع و شرایط) در جرائمی که تابع موضوعیت ادله‌اند (جرائم غیرتعزیری) ارائه شود و علم قاضی موافق آن باشد وفق منطوق ماده ۱۶۱ و مفهوم موافق آن به‌عنوان دلیل شرعی قطع‌آور اثبات‌کننده است و اگر علم مخالف آن باشد وفق منطوق ماده ۱۶۱ ادله شرعی فاقد حجیت و اگر علم موافق یا مخالف حاصل نشود در این حالت بینابین به‌عنوان ظن خاص وفق ماده ۱۶۱ این قانون اثبات‌کننده است. در حالت دوم، اگر ادله شرعی در دعاوی که تابع طریقت ادله‌اند (جرائم مستوجب تعزیر) ارائه شود و علم موافق آن باشد، وفق مفهوم ماده ۲۱۲ قانون به‌عنوان دلیل شرعی قطع‌آور از باب قیاس اولویت اثبات‌کننده است و اگر علم مخالف آن باشد محل بحث و تأمل است و قانون حکم صریحی در این خصوص ارائه نکرده است. در حالت بینابین نیز برابر منطوق ماده ۲۱۲ ادله قانونی معتبر است و این رویکرد برخلاف نظام اقماعی بودن ادله ناظر به جرائم مستوجب تعزیر است. حالت سوم آن است که اگر ادله غیرشرعی (امارات قضایی) در جرائمی که تابع موضوعیت ادله‌اند ارائه شود؛ مانند فیلم در اثبات زنا و علم موافق آن باشد، وفق ماده ۱۶۲ و اطلاق ماده ۲۱۲ قانون مبحث‌عنه در کنار سایر امارات قضایی اصولاً اثبات‌کننده است و اگر علم مخالف آن باشد، وفق مادتين ۱۶۲ و ۲۱۲ این قانون اثبات‌کننده نیست و در حالت بینابین وفق منطوق ماده ۱۶۲ اثبات‌کننده نیست. در حالت چهارم، اگر ادله غیرشرعی در دعاوی که تابع طریقت ادله‌اند، ارائه شود و علم موافق آن باشد، وفق منطوق مادتين ۲۱۲ و مفهوم ماده ۱۶۲ قانون اثبات‌کننده است و اگر علم مخالف آن

باشد وفق منطوق ماده ۲۱۲ و مفهوم ماده ۱۶۲ اثبات‌کننده نیست و در حالت بینابین نیز وفق مفهوم مخالف ماده ۱۶۲ و منطوق ماده ۲۱۲ اثبات‌کننده نیست.

### ۳-۱-۷. حجیت علم قاضی در حقوق کیفری اروپا

در حال حاضر در حقوق اروپایی نظام ادله اقناعی یک اصل و نظام ادله قانونی یک استثناء است. بدین‌سان در حقوق کیفری فرانسه وفق ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری به‌طور صریح به آزادی قاضی در تحصیل دلیل اشاره شده است که خود بیانگر حجیت علم قاضی در اثبات جرائم است.<sup>۱</sup> این ماده مقرر می‌دارد: «در غیر از مواردی که قانون تکلیف دیگری مقرر داشته باشد جرائم را می‌توان با توسل به هر دلیلی اثبات کرد. قاضی بر مبنای اقناع وجدانی خود تصمیم می‌گیرد. قاضی مجاز نیست تصمیم خود را جز بر دلایلی که به او ارائه شده و در جریان رسیدگی به‌صورت ترافعی مورد بحث قرار گرفته‌اند استوار سازد.» این ماده که در ارتباط با رسیدگی‌های دادگاه‌های جنحه تدوین شده، امروزه در مقابل همه دادگاه‌های این کشور قابل استناد است. ماده ۱۲۵ قانون دادرسی کیفری پرتغال نیز اشعار می‌دارد: «دلایل را به‌دلیل منصوص مانند اظهارات متهم و شهادت شهود (مواد ۴۸ و ۷۱) و دلایل آزاد مانند معاینات محلی و ملاحظات عینی (مواد ۸۶-۹۲) تقسیم کرده است و علم قاضی را مثبت جرائم دانسته است. در حقوق انگلیس نیز علم قاضی مثبت انواع بزهکاری متهم می‌باشد مگر آن‌که اثبات جرم با طرق خاص در قانون پیش‌بینی شده باشد.<sup>۲</sup> در حقوق انگلیس تفکیک دقیقی بین ادله در حقوق و رویه قضایی ایجاد شده است. برخی ادله به ادله مستقیم تعبیر می‌شود که همان دلایل به معنای آخص مثل اقرار و شهادت می‌باشد. دسته دیگر ادله غیرمستقیم یا همان امارات می‌باشند. از منظر حقوق‌دان‌های انگلیسی اماره

۱. در حقوق فرانسه استثنائاً برابر بند یک ماده ۵۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری جرائم خلافی یا توسط صورت‌جلسات یا گزارش‌ها و در صورت فقدان آنها توسط شهود یا با کمک آنها ثابت می‌شود (برای آگاهی بیشتر رک: آیتین ورجر، ۲۰۰۷: ۷۸؛ میشل راسات، ۲۰۰۷: ۳۴۳).

۲. در حقوق انگلستان بارقه‌هایی از موضوعیت داشتن ادله در اثبات دو جرم سرعت غیرمجاز و شهادت کذب دیده می‌شود که در آنها اقرار به تنهایی مثبت بزهکاری نیست، بلکه باید دلیل مستقل و مؤید بزهکاری متهم در دست باشد. این ضرورت اقامه دلیل مؤید را شرط تأیید نامیده‌اند (برای آگاهی بیشتر رک: ساندرامسون، ۲۰۰۸: ۱۵۳۲).

به‌ویژه در مواردی که مرتبط با یافته‌های علمی است، از نظر قاضی و هیئت‌منصفه دارای ارزش بالایی است. ارزش اثباتی روش‌های علمی ازجمله صداشناسی و دی.ان.ای. پس از اخذ نظریه متخصصان با قاضی و هیئت‌منصفه می‌باشد. در مقابل این ادلّه علمی، ادلّه درک عامیانه وجود دارد مثل شهادت که احتمال خطا در آن وجود دارد (قرجه‌لو، ۱۳۸۶: ۶۲). امروزه به قول انریکو فری استاد فقید حقوق کیفری دانشگاه رم، به تدریج نظام ادلّه معنوی جای خود را به نظام ادلّه علمی می‌دهد (هدایتی، ۱۳۴۲: ۶۲). به‌ویژه آن‌که وقتی بزهکاران در ارتکاب جرائم از شیوه‌های جدید علمی استفاده می‌کنند، عدالت نیز برای مبارزه با آنها ناچار خواهد بود به سلاح متناسب مجهز شود و از فنون علمی بهره گیرد (گلدوزیان، ۱۳۷۴: ۸) که به نظر راقم سطور، امارات قضایی حاصل از ادلّه علمی و ابزارهای نوین درواقع همان نظام ادلّه معنوی را می‌رساند و به‌عبارت‌دیگر ادلّه علمی به‌عنوان امارات قضایی نوین در جهت اقناع وجدان قاضی مورد توجه قرار گرفته است، لذا جلوه‌ای از دلایل معنوی محسوب می‌شود.

## ۲-۷. ماهیت علم قاضی

در این مقاله سعی بر آن است تا ماهیت و مبادی علم قاضی در نظام فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و اروپا را که هر یک با نحله‌های فکری مختص به خود به آن پرداخته‌اند، مورد تحلیل قرار دهیم.

### ۱-۲-۷. ماهیت علم قاضی در فقه امامیه

مبادی و ماهیت علم را بر اساس یافته‌های متون فقهی و روایی می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. بدین‌سان علم یا صحیح است یا ناصحیح. علم صحیح به دو قسم است. نخست علم حدسی و دیگری علم حسی. علم حدسی سه قسم است. نخست علم غیب که مختص پیامبر و ائمه معصومین است. دوم علم ناشی از وحی به پیامبر و علم ناشی از الهام برای ائمه معصومین. سوم، علم ناشی از رؤیای صادقه است که نمونه‌ای از آن در داستان حضرت یوسف بیان

شده است. علم حدسی مختص پیامبر و ائمه معصومین است و قاضی ولو آنکه مجتهد باشد، حق استناد به آنها را ندارد.

علم بعدی، علم حسی است. این علم یا ناشی از اوضاع و احوال و امارات قضایی است که در آموزه‌های فقهی و معاریف مصادر فقه شیعه به «علم الیهادی» و «ظاهر حال» تعبیر شده است که همان علم حصولی مستخرج از پرونده است (عاملی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). قسم دوم که علم شخصی یا علم ناشی از حضور قاضی است یعنی آنکه قاضی رأساً ناظر وقوع جرم بوده که حجیت این علم در بین فقها محل اختلاف است. برخی آن را ممنوع دانسته‌اند و در مقام تعلیل خود به چند گروه تقسیم شده‌اند. گروهی ممنوعیت قاضی از عمل به علم شخصی خود را از فروعات قاعده «ممنوعیت تحصیل دلیل» دانسته‌اند. چه آنکه استناد قاضی به علم شخصی، خود نیز یکی از مصادیق تحصیل دلیل می‌باشد. در حالی که صحابه دعوی به آن استناد نکرده‌اند. برخی نیز آن را نتیجه قاعده «حق طرفین در مناقشه ادله یا اصل تناظر» تلقی کرده‌اند؛ زیرا اگر قاضی به علم خود عمل کند که یک امر شخصی و درونی است، امکان مناقشه طرفین در دلیل از بین می‌رود. گروهی هم آن قاعده ممنوعیت را نتیجه اصل «ممنوعیت جمع شدن صفت شاهد و قاضی» دانسته‌اند، زیرا اگر قاضی به علم خود عمل کند، به وصف شاهد متصف می‌شود. علاوه بر این، وی را از بی‌طرفی خارج می‌سازد و در مظان اتهام قرار می‌دهد (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۱۲). در فقه امامیه علم حاصله باید «عن حسی» باشد نه «عن حدسی» و از آنجاکه در فقه امامیه ذهن‌گرایی ملاک است نه ساختار‌گرایی و به عبارتی تأکید بر شخص و مقام دادرسی بیشتر متجلی است تا ساختار و سازمان دادرسی و دقت نظر در انتخاب قاضی عادل بیشتر از ایجاد یک فرایند دادرسی عادلانه اهمیت دارد و عدالت قاضی را بر عدالت دادرسی ترجیح می‌دهند، لذا با این استنباط برخی معتقدند که قاضی می‌تواند بر مبنای علم شخصی خود حکم صادر کند (موحدی، ۱۳۹۵: ۵۲) و قاعده فقهی «دلالت نهی بر فساد منهی عنه» به‌عنوان یک قاعده مانع از سوءاستفاده و مبسوط‌الید بودن قاضی در امر قضاء و از جمله تحدیدهایی برای اصل تحصیل دلیل محسوب می‌شود. در حالی که برخی از



فقه‌های عظام معتقدند که علم شخصی یک علم نهانی است و قاضی باید مستند علم خویش را ذکر کند؛ به طوری که از اوضاع و احوال حسی و متعارف حاصل شده باشد؛ لذا علم شخصی قاضی اعتباری ندارد. ضابطه اثبات جرم در فقه امامیه در خصوص جرائم غیر تعزیری (ظن خاص) بیان شده است؛ یعنی با ارائه ادله شرعی ولو آنکه قاضی به علم نرسیده باشد، این گونه جرائم قابل اثبات است، اما در خصوص جرائم تعزیری برخی ضابطه اثبات را (یقین) و برخی دیگر (ظن خاص) اعلام داشته‌اند (موحدی، ۱۳۹۵: ۶۳).

## ۲-۲-۷. ماهیت علم قاضی در حقوق کیفری ایران

مراد از علم قاضی در حقوق ایران، علم حصولی و مستخرج از پرونده است. علم ناشی از محتویات پرونده عبارت‌اند از: معاینه و امارات و امور بدیهی که در پرونده مضبوط و منعکس می‌شود ولی علمی که مرتبط با دلایل خارج از پرونده است مانند نزاعی که قاضی شخصاً شاهد آن بوده، حجیت آن تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محل اختلاف بود. برخی برابر اطلاق ماده ۱۰۵ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین علمی را دارای حجیت دانسته‌اند (تدین، ۱۳۸۸: ۱۱۶). برخی دیگر معتقد بودند که اطلاق مواد مذکور به موجب بند (د) ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ تقیید خورده و مشمول رد دادرسی است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۹: ۲۱۰). اما با وضع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین علمی نمی‌تواند منشأ اثر باشد. مقنن در ماده ۲۱۱ این قانون علم قاضی را به «یقین حاصل از مستندات بین در امری که نزد قاضی مطرح شده دانسته است، به‌ویژه آنکه با کنار رفتن فرض وجود قاضی با شرایط فقهی مانند (مجتهدبودن) در حقوق موضوعه تا حدود زیادی امکان خدشه به اصل بی‌طرفی محسوب می‌شود و بند (ت) ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز آن را از موارد رد دادرسی دانسته و صرفاً قاضی می‌تواند به‌عنوان شاهد در محکمه دیگر حاضر شود. همچنین (بین) به هر امری که سبب حجیت پیدا کردن یا گشادن امر مجهولی گردد، اطلاق می‌شود (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۵۵۷) و از حیث تحلیل حقوقی یعنی قابل درج در پرونده و قابل بررسی توسط مراجع عالی‌تر باشد؛



بنابراین، نمی‌توان واژه (بیین) در ماده بیان‌شده را مترادف بینه قلمداد کرد، زیرا علم قاضی حاصل امارات قضایی است و با علم قاضی ناشی از ادله شرعی فرق دارد. علم قاضی یک دلیل مستقل و در عرض سایر ادله قرار دارد در حالی که علم اقناعی ناشی از ادله شرعی در طول ادله قرار می‌گیرد. همچنین برابر نظریه مشورتی شماره ۱۳۶۴/۲/۲۳-۷/۱۲۴-۱۳۶۴/۲/۲۳-۷/۱۲۴ علم قاضی، مجتهد یا مأذون صادرکننده حکم است (قاضی من بیده الحکم) و علم قاضی تحقیق و مقامات دادسرا برای حاکم حجیت ندارد ولیکن می‌تواند از امارات قضایی قلمداد گردد. کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۲۰ بیان کرد: «علم قاضی از باب کشف و طریقت است و مختص مجتهد نیست بلکه علم حاصل از طرق متعارف برای قاضی مأذون نیز حجیت دارد و در عداد ادله شمرده می‌شود.» در نظریه مشورتی ۷۱۱۶۳۶ مورخه ۱۳۸۵/۲/۸ آمده است: «علم قاضی می‌بایست نشانه‌ها و قرینه‌های واضح و روشن و متعارفی باشد که به علم حسی برمی‌گردد به طوری که بتواند در دادگاه نیز برای دیگران ایجاد علم کند.» دادگاه عالی انتظامی قضات، علمی را که خارج از قراین و دلایل مفید علم برای متعارف مردم به دست آمده باشد را فاقد اعتبار اعلام کرده است (کریم‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۰). در تبصره ماده ۲۱۱ ق.م.ا. نیز آمده است: «مواردی از قبیل نظریه کارشناسی، معاینه محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم‌آور باشد، می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد.» و از آنجاکه مصادیق امارات قضایی برخلاف اماره قانونی متعدد و متکثر است؛ مقنن طی احصای تمثیلی اهم آن را بیان داشته که غالب آنها وسیله تحصیل اماره هستند، نه خود اماره قضایی (خواجه‌وند و احمدی، ۱۳۹۹: ۵). در خصوص اماره قضایی ماده ۷ قانون شهادت و امارات مصوب ۱۳۰۸/۴/۲۰ بیان داشته که قاضی مکلف است اوضاع و احوالی که مدرک حکم قرار می‌دهد به‌طور روشن و کافی یک‌به‌یک تشریح کند و برابر حکم تمییزی شماره ۶۷۳۱-۱۸۴۳ به تاریخ ۱۳۰۹/۲/۱۹ نمی‌توان قرائن را جداگانه طرف استناد قرار داد. در نتیجه، اماره دارای دو رکن مادی و معنوی است. رکن مادی دارای شرط کمیت (تعدد قرینه) است و اگر یک قرینه موجب پیدایش ظاهر مأمون گردد، به قول برخی

از حقوق‌دان‌ها مشمول عنوان ظاهر است که خود دلیل اثباتی دیگری است نه اماره قضایی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۷۰۷) و به قول برخی دیگر اماره قضایی با یک قرینه هم ایجاد می‌شوند زیرا درباره معیار اماره و قرینه گفته‌اند که قرینه‌ها را نمی‌شمارند بلکه ارزیابی می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲). به نظر راقم سطور، حتی اگر اماره قضایی با یک قرینه ایجاد شود اما برابر ماده ۲۱۱ این قانون بیانگر آن است که علم قاضی با امارات متعدد ایجاد می‌شود و رویه قضایی نیز مؤید این استدلال منطقی است. پس شرط کیفی در رکن مادی اماره قضایی (قوی و موجه و صریح‌بودن) آن است و رکن معنوی آن (استقرار و تجربه و استنتاج) است (مختاری، ۱۳۹۳: ۲۹۷). ضابطه اثبات نیز در جرائم غیرتعزیری وفق مادّتين ۱۶۱ و ۱۷۵ ق.م.ا. (ظنّ خاص) است و در جرائم تعزیری با دو معیار (یقین) حاصل از امارات قضایی وفق ماده ۲۱۱ ق.م.ا. و (ظنّ خاص) حاصل از ادله شرعی وفق مواد ۱۶۱، ۱۷۱ و ۱۸۷ ق.م.ا. می‌باشد.

### ۳-۲-۷. ماهیت علم قاضی در حقوق کیفری اروپا

در حقوق اروپایی که مبتنی بر ساختارگرایی است و تلاش می‌کند تا قواعد شکلی ناظر بر فرایند دادرسی عادلانه را ایجاد کند، اصولاً قاضی نمی‌تواند از علم شخصی خود استفاده کند. در حقوق فرانسه برابر بند ۲ ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک. قاضی فقط می‌تواند تصمیم خود را بر اساس ادله‌ای که در جریان مذاکرات مطرح و به صورت حضوری در نزد او بحث می‌شوند، استوار سازد؛ بنابراین، در حقوق اروپایی به جهت رعایت اصل بی‌طرفی، علم شخصی قاضی صرفاً وی را در مقام شهود وارد دادرسی می‌کند و نه در مقام قاضی. بنابراین علم قاضی می‌بایست حصولی و مستخرج از پرونده باشد ولی می‌بایست تمام ادله مورد بحث آزاد طرفین قرار گیرد و چون علم شخصی قاضی در جلسه دادرسی مطرح نشده و متهم از آن آگاهی نیافته و رد یا قبول صحابه دعوی در رابطه با آن استماع نشده، لذا باید از عداد ادله قابل استناد خارج شود.

دیوان عالی کشور فرانسه، قاضی کیفری را از توسل به اوضاع و احوالی که در خارج از دادرسی و محتویات پرونده، شخصاً از آنها مطلع شده است و استناد به آنها به منظور توجیه ملاک علم و یقین خود، منع کرده است زیرا در این موارد

متهم از اطلاعات شخصی و ذهنی دادرس اطلاعی ندارد تا در مقام دفاع از آن برآید (خزانی، ۱۳۷۵: ۷۷) و محاکم عالی نیز نمی‌توانند مستند علم قاضی را در مواردی که ناشی از مشهودات یا مسموعات شخصی است، کنترل و نظارت کنند و چنین تصمیماتی محکوم به بطلان می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۲۶). در حقوق انگلیس قاضی نمی‌تواند به علم شخصی خود عمل کند مگر آن که در آن زمینه تخصص داشته باشد؛ بنابراین، در مواقعی که در آن زمینه تخصص نداشته باشد باید بر مبنای علمی که از عرف و نظم عمومی حاصل می‌شود حکم صادر کند. برای نمونه در پرونده‌هایی که موجب «قانون غرامت صنعتگران مصوب ۱۹۲۳» مطرح و تصمیم‌گیری شده، علم شخصی مورد پذیرش قرار نگرفته، بلکه علمی را پذیرفته که بر مبنای فهم عموم مردم باشد. در پرونده دیگر، فردی متهم به فروش کاکائوی نامرغوب، حاوی ۸۰٪ نشاسته و شکر شد؛ قاضی پرونده بر مبنای عرف عامه مردم حکم صادر کرد که این حد از ترکیبات در کاکائو غیرعادی نیست و ادعای شاکی را رد کرد. باید توضیح داد که تعقیب متهم توسط دادستان برابر «قانون فروش غذا و دارو مصوب ۱۸۷۵» به عمل آمده بود که در نهایت، دادنامه معترض‌عنه عیناً در دادگاه تجدیدنظر ابرام گردید. همچنین در پرونده‌ای، متهم از دادن نمونه آزمایش خون امتناع کرد. این در حالی است که برابر ماده ۹ «تبصره ۳» از «قانون ترافیک جاده‌ها مصوب ۱۹۷۲» مکلف به انجام آزمایش بود. توجیه متهم آن بود که در گذشته به خاطر تزریق آمپول در وی حالت ترس ایجاد کرده و بی‌هوش شده است. قاضی دادگاه که از افراد مجرب به مایه‌کوبی بود، بیان کرد که ترس وی بر مبنای واکنش‌های هیستریک، صحیح می‌باشد و برائت وی را صادر کرد (آلن، ۲۰۰۴: ۶۶). با وجود این، در حقوق انگلیس علم قاضی، علم حصولی ناشی از محتویات پرونده و غیرشخصی است و در صورتی که قاضی در موضوع مورد نظر متخصص باشد، می‌تواند نظر شخصی دهد. ضابطه اثبات جرم نیز در نظام حقوقی فرانسه وفق مواد ۳۵۳، ۴۲۷ و ۵۳۶ ق.آ.د.ک. (یقین) شخص قاضی است و در حقوق انگلستان ضابطه (فرا تر از شک معقول) می‌باشد (ایگلستون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳: ۳۵۵).

1. Eggleston

## ۷-۳. تعارض علم قاضی با سایر ادله اثبات کیفری

تعارض نزد اهل لغت به معنای معارضه کردن با یکدیگر آمده است (انیس، ۱۳۶۷: ۳۱۰) و در اصطلاح یعنی دو دلیل در مرحله اثبات به نفعی مفاد یکدیگر بینجامد و کذب بودن یکی از دو دلیل شرط تعارض است نه تکاذب بین دو دلیل. همچنین برای تحقق تعارض، وجود دو دلیل و تنافی دو دلیل و وحدت موضوع و حجیت یا قدرت اثباتی دو دلیل شرط است. تعارض ممکن است بسیط (ساده) یا مرکب (تعارض گروهی از ادله در مقابل هم) باشد و ممکن است مستقر یا غیرمستقر (تعارض ظاهری) باشد. با این مقدمه تعارض علم قاضی با سایر ادله را در سه نظام مربوطه مورد تبیین قرار خواهیم داد.

### ۷-۳-۱. تعارض علم قاضی با سایر ادله در فقه امامیه

در فقه امامیه کسانی که معتقد به حاکمیت نظام ادله قانونی هستند و فعلیت اثبات دلیل را به احصای شارع وابسته دانسته‌اند چون حجیتی برای علم قاضی قائل نیستند؛ از این رو، بحث تعارض علم قاضی با سایر ادله شرعی را منتفی می‌دانند اما کسانی که معتقد به نظام ادله اقماعی هستند و در مقوله ارزیابی دلیل، فعلیت اثبات دلیل را به اقماع قاضی وابسته کردند، دلیلی که قاضی را به اقماع وجدان رهنمون سازد، بر سایر ادله مقدم می‌دانند. در خصوص راه‌های حل تعارض باید گفت هر چند برخی از فقها راه‌حل‌هایی مانند تقدم دلیل شاکی را ارائه کرده‌اند (آشتیانی، ۱۴۰۴: ۱۰۴)، یا تقدم بر اساس ماهیت (دلیل خاص یا اماره بودن) و قاعده تخییر<sup>۱</sup> و تساقط<sup>۲</sup> را بیان کردند (صدر، ۱۳۶۴: ۴۶۹) اما آنچه که از متون فقهی قابل استخراج است می‌توان به‌طور کلی بیان داشت که سه قاعده در باب راه‌حل‌های رفع تعارض مورد نظر فقهای امامیه بوده است. نخستین راه‌حل قاعده جمع<sup>۳</sup> است. چنانچه بین دو دلیل امکان جمع نباشد، راه‌حل دوم را باید برگزید که خود قابل انقسام به دو حالت است.

۱. گفتنی است که مقنن در تبصره ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مخیر کردن شاکی جهت رجوع به هر یک از مقصرین از این قاعده تبعیت نموده بود.  
 ۲. الدلیلان إذا تعارضا تساقطا.  
 ۳. الجمع مهما امکن اولی من الطرح.

حالت نخست این است که اگر ادله‌ای راجح و دیگری مرجوح باشد، ادله راجح، اولی است؛ یعنی حکم اولی آن است که باید از ابتدا با توجه به مرجحات موجود در هر مورد، ادله واجد ارزش اثباتی بیشتر را بر دیگری ترجیح و بر اساس آن عمل کرد و حالت دوم در صورتی است که هیچ‌یک از این ادله نسبت به یکدیگر راجح و مرجوح نباشند که در این صورت حکم به تساقت داده می‌شود و با فرض عدم وجود ادله دیگر باید بر اساس اصول عملیه حکم صادر کرد. ضابطه‌ای که برای تراجیح دلیل ارائه کردند آن است که «ادله شرعی قطع‌آور» نسبت به «ادله شرعی ظن‌آور» و «ادله غیرشرعی قطع‌آور» مرجح است و ادله پیشین بر «ادله غیرشرعی ظن‌آور» مرجح است و مورد اخیر نیز بر اصول عملیه رجحان دارد. چه آنکه از حیث درجات علم، به ترتیب قطع، کشف تام حکم واقعی و ظن، کشف ناقص حکم واقعی و اصل حکم ظاهری را کشف می‌کند؛ لذا با توجه به ترتیب فوق به‌نظر می‌رسد در فقه امامیه ادله غیرشرعی قطع‌آور بر ادله شرعی ظن‌آور مرجح باشد.

### ۲-۳-۷. تعارض علم قاضی با سایر ادله در حقوق کیفری ایران

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن در ماده ۱۶۰ این قانون، ادله اثبات جرم را به ترتیب اقرار، شهادت شهود، قسامه و سوگند بیان داشته است. در ابتدا، این‌گونه برداشت می‌شود که این ترتیب بیانگر اولویت ادله نسبت به یکدیگر است؛ یعنی مقنن از راه‌حل ترتیب قانونی استفاده کرده است. لیکن با مذاقه در سایر مواد به‌نظر می‌رسد که ترتیب عنوان‌شده صرفاً به متابعت از ابواب مختلف فقه که در پیشینه تقنینی ما نیز مسبوق به سابقه بوده، مورد توجه مقنن قرار گرفته است به‌طوری‌که ماده ۲۱۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم بین باقی باشد آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود.» و ماده ۲۱۳ نیز اشعار می‌دارد: «در تعارض سایر ادله بر یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است و همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد.» مواد مذکور

به روشنی نشان می‌دهد که مقنن از راه حل «حکم قانونی» برای رفع تعارض بهره جسته است. همچنین علم قاضی از باب «تراجیح» مورد پذیرش قرار گرفته است؛ بنابراین، از آنجاکه ادلّه مذکور ممکن است در مواردی قطع آور و در جای دیگر ظن آور باشند،<sup>۱</sup> لذا با عنایت به مراتب علم‌آوری، تفوق هر یک بر دیگری هویدا خواهد شد. برای نمونه چنانچه شهادت شرعی قطع آور باشد بر اقرار شرعی ظن آور رجحان خواهد داشت. همان‌طور که برخی از حقوق دان‌ها گفته‌اند در حقوق موضوعه چهار حالت قابل ترسیم است. نخست، ادلّه شرعی قطع آور که هم اثبات‌کننده حدود و قصاص و دیات و هم اثبات‌کننده تعزیرات است. دوم، ادلّه شرعی ظن آور که هم اثبات‌کننده حدود و قصاص و دیات است و هم اثبات‌کننده تعزیرات است. سوم ادلّه غیرشرعی ظن آور که صرفاً اثبات‌کننده تعزیرات است و چهارم، ادلّه غیرشرعی ظن آور که اصولاً قدرت اثباتی ندارد، مگر در موارد مصرح قانونی مثل ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.» (موحدی، ۱۳۹۵: ۷۸). با التفات به مراتب ما نحن فیه به نظر می‌رسد ادلّه شرعی قطع آور نسبت به ادلّه شرعی ظن آور مرجح است و در تعارض ادلّه غیرشرعی قطع آور با ادلّه شرعی ظن آور به جهت درجات علم‌آوری، ادلّه غیرشرعی قطع آور مرجح است و چنانچه دو دلیل شرعی قطع آور از یک نوع مثل (شهادت شرعی) با یکدیگر تعارض داشته باشد، وفق ماده ۱۸۵ این قانون قاعده تساقط حاکم می‌شود.

### ۳-۳-۷. تعارض علم قاضی با سایر ادلّه در حقوق کیفری اروپا

در نظام‌های ادلّه قانونی در حقوق اروپایی، چون سلسله‌مراتب وجود دارد و قانون‌گذار از پیش سلسله‌مراتب را در قانون مشخص کرده است، کمتر امکان تعارض ادلّه وجود دارد و قاضی هم مکلف به متابعت از چنین سلسله‌مراتبی است و سلسله‌مراتب در این نظام‌ها نیز بر مبنای معیار نوعی است. اما در غالب کشورهای اروپایی صرف‌نظر از نوع نظام (رومی ژرمنی و کامن لا) سیستم ادلّه

۱. به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی ادلّه به «ادلّه خاص» به‌عنوان ادلّه یقینی و «امارات» به‌عنوان ادلّه ظن آور صحیح نباشد.

اقتناعی حاکم است و سلسله‌مراتب ادله نیز با توجه به جایگاه علم قاضی و حجیت آن در اثبات غالب جرائم توسط قاضی تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، فعلیت اثبات دلیل را قاضی مشخص می‌کند و سلسله‌مراتب در این نظام مبتنی بر معیار شخصی است نه نوعی، در نظام ادله مختلط نیز فعلیت اثبات دلیل همانند نظام ادله معنوی است (هالیز، ۲۰۱۳: ۶۲) یعنی ارزش اثباتی دلیل به قاضی احاله شده است و واگذاری چنین اختیاری با تحدیدهای قانونی مانند تحصیل دلیل از طرق مشروع مواجه شده است. به فرض مثال در ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، در غیر از مواردی که قانون تکلیف دیگری مقرر داشته است مانند آنچه که مقنن در خصوص برخی از جرائم جنبه‌ای خاص مثل مادتين ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون گمرکی بیان داشته است، جرائم را می‌توان با توسل به هر دلیلی اثبات کرد و قاضی بر مبنای اقتناع وجدانی تصمیم می‌گیرد. علاوه بر این، قاضی مجاز نیست تصمیم خود را جزء بر دلایلی که به او ارائه شده و در جریان رسیدگی به صورت توافقی مورد بحث قرار گرفته، استوار سازد؛ بنابراین با توجه به پذیرش اقتناع وجدان قاضی، در عمل امکان تعارض ادله منتفی خواهد بود. در حقوق انگلستان نیز با توجه به پذیرش قاعده «فرا تر از شک معقول» که معادل اقتناع قضایی در حقوق رومی ژرمنی است، در غیر از مواردی که استثنائاً تابع نظام ادله قانونی مانند جرم سرعت غیرمجاز و شهادت دروغ می‌باشد، در سایر موارد به دلیل پذیرش اقتناع وجدان قاضی، اصولاً تعارض ادله منتفی است. برای نمونه ممکن است اماره‌ای به اثبات موضوع بپردازد و هم‌زمان اماره‌ای دیگر همان موضوع را نفی کند. چنانچه این دو اماره مختلف باشند، هرگز تعارض بین آنها به وجود نمی‌آید. بر فرض، بین اماره قطعی عدم امکان ارتکاب جرم توسط اطفال زیر ۱۰ سال و اماره تصرف پیشین (یافت شدن اموال مسروقه در فاصله کمی پس از ارتکاب سرقت) تعارض ایجاد نمی‌شود زیرا افراد زیر ۱۰ سال در حقوق انگلستان توانایی ارتکاب بزه را ندارند؛ لذا نوبت به تحصیل مجرمیت طفل بر مبنای اماره تصرف پیشین سالبه به انتفای موضوع است. در صورتی که هر دو اماره مشابه و از یک دسته باشند مانند



اثرانگشت به‌جامانده در صحنه جرم که نشان از مجرم‌بودن شخص «الف» دارد و وجود لکه خون که نشان از مجرم‌بودن شخص «ب» دارد؛ در چنین حالتی هر دو اماره موضوعی کنار گذاشته شده و اگر دلیل دیگری بر مجرمیت وجود نداشته باشد، حکم برائت صادر می‌شود. همچنین، در تعارض ادله علمی مثل دی.ان.ای. با ادله درک عامیانه مثل شهادت شهود، ادله علمی مرجح است.

## ۸. نتیجه‌گیری

در فقه امامیه نوع نظام حاکم بر ادله اثبات کیفری و حجیت علم قاضی در اثبات جرائم حق الهی و حق الناسی محل اختلاف است. همچنین از آنجاکه فقه امامیه به ذهن‌گرایی توجه داشته یعنی تأکید بر شخص دادرس مانند مجتهد بودن بیشتر متجلی است تا ساختارگرایی موردنظر در حقوق جزای عرفی، لذا قاضی می‌تواند به علم شخصی خود استناد کند. چه آنکه امکان خروج قاضی مجتهد از بی‌طرفی بعید دانسته‌اند. هرچند محاجه و استدلال مخالف مانند در مظان اتهام قرار گرفتن قاضی در توسل به علم شخصی نیز ارائه شده است. معیار اثبات جرم نیز قطع متعارف یا علم عادی و سکون نفس است و راه‌حل رفع تعارض نیز به ترتیب قاعده جمع، تراجیح و تساقط است و با توجه به چنین ضابطه‌مندی ادله شرعی قطع‌آور، غیرشرعی - قطع‌آور و شرعی، ظن‌آور به این ترتیب بر دیگری تقدم دارند. در حقوق کیفری ایران نیز با توجه به برداشت‌های متفاوت از مواد مرتبط با ادله اثبات دعوی، نوع نظام حاکم بر ادله اثبات و حجیت علم قاضی در اثبات کلیه جرائم محل اختلاف است. هرچند که رویه قضایی بر حجیت علم قاضی در کلیه جرائم اشاره دارد. توسل قاضی به علم شخصی در حقوق ایران برخلاف اصل بی‌طرفی است. لذا مورد پذیرش نیست. معیار اثبات جرم در جرائم مستوجب تعزیر به دو طریق «یقین» و «ظن خاص» و در جرائم غیرتعزیری بر مبنای ضابطه (ظن خاص) تعیین شده است و قاعده رفع تعارض نیز در قانون مذکور مبتنی بر حکم قانونی و تساقط است و علم قاضی نیز از باب قاعده تراجیح بر سایر ادله تقدم و تفوق دارد. در حقوق اروپایی، نظام ادله اقماعی اصل و علم قاضی مثبت کلیه جرائم است و استثنائاً



نظام ادله قانونی در اثبات برخی از جرائم جنحه‌ای خاص در فرانسه و نیز در انگلستان در اثبات جرائم شهادت کذب و سرعت غیرمجاز دیده می‌شود. در حقوق اروپایی توسل قاضی به علم شخصی برخلاف اصل بی‌طرفی است و در «کامن لا» استثنائاً در مواردی که قاضی در آن زمینه تخصص داشته باشد، مورد پذیرش است. معیار اثبات جرم در حقوق رومی ژرمنی، اقناع وجدان قاضی و در حقوق کامن لا فراتر از شک معقول است. هرچند که این دو واژه با یکدیگر قرابت دارند، اما به نظر می‌رسد کامن لا برخلاف نظام حقوق رومی ژرمنی به اعتقاد شخصی و مراحل اعتقادی ذهنی به‌عنوان ضابطه تصمیم‌گیری توجهی ندارد و ملاک‌ها و معیارهای بیرونی در آن اهمیت دارد و به دلیل حاکمیت نظام ادله اقماعی و تفوق علم قاضی، از اساس تعارض علم قاضی با سایر ادله منتفی است.

علی‌هذا با عنایت به مراتب معنونه؛ در فقه امامیه با وجود اینکه امکان خروج قاضی مجتهد را از بی‌طرفی بعید دانسته‌اند اما قاضی می‌تواند به علم شخصی خود استناد کند، در حقوق کیفری ایران نیز رویه قضایی بر حجیت علم قاضی در کلیه جرائم اشاره دارد و علم قاضی نیز از باب قاعده تراجیح بر سایر ادله تقدم و تفوق دارد. در حقوق اروپایی، نظام ادله اقماعی اصل و علم قاضی مثبت کلیه جرائم است و توسل قاضی به علم شخصی برخلاف اصل بی‌طرفی است، در کامن لا استثنائاً در مواردی که قاضی در آن زمینه تخصص داشته باشد مورد پذیرش است و در حقوق رومی ژرمنی معیار اثبات جرم، اقناع وجدان قاضی است

## ۹. پیشنهادهای کاربردی

۱. نظر به به‌کارگیری مقنن از عبارت «ادله‌ای که موضوعیت دارد» در متن ماده ۱۶۲ ق.م.ا. از یک طرف و از طرف دیگر اطلاق ماده ۲۱۱ این قانون در باب علم قاضی موجب شد که بین علمای حقوق کیفری و رویه قضایی در مقوله حجیت علم قاضی در اثبات کلیه جرائم یا تنها در جرائم تعزیری اختلاف حادث شود، لذا شایسته است مقنن در منطوقی متفاوت به این تشتت آراء

پایان دهد. به فرض مثال، پیشنهاد می‌شود در مقوله اثبات جرائم مستوجب حد، در غیر از مواردی که به حقوق شخصی و خصوصی افراد لطمه وارد می‌سازد نظیر حکم مندرج در ماده ۲۴۱ قانون مذکور طبق اصل بزه‌پوشی و قاعده سمحه و سهله و قاعده امتنانی درء، صرفاً با ادله شرعی قابل اثبات باشند و علم قاضی ناشی از امارات قضایی را در جرائم مستوجب قصاص، دیه و حدودی که حقوق خصوصی اشخاص را به مخاطره می‌اندازند، علاوه بر حجیت ادله شرعی در اثبات آنها به‌عنوان دلیل اثباتی قلمداد کنیم.

۲. امروزه با توجه به پیچیدگی اثبات جرائم از یک طرف و از طرف دیگر ورود تفکر اروپایی در اثبات جرائم بر مبنای قاعده فراتر از شک و شبهه معقول و یا یقین شخصی قاضی به حقوق داخلی غالب کشورها پیشنهاد می‌شود ادله شرعی را با حفظ مرزهای فقهی و عقیدتی از حالت تعبدی خارج کرده و مادامی که برای قاضی حاصل نشود، ادله مذکور قابلیت اثبات نداشته باشند، لذا پیشنهاد می‌شود موادی همچون مادتين ۱۶۱ و ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی حذف شود.

### سیاسگزاری

بدین‌وسیله از حمایت همه کسانی که با در اختیار قراردادن منابع در جهت تدوین این پژوهش با ما تشریک‌مساعی داشتند، کمال تشکر و امتنان به‌عمل می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- آشتیانی، میرزا محمدحسن (۱۴۰۴). *کتاب القضاء*. چاپ دوم، قم: انتشارات دارالهجد.
- ابن حمزه، علی (۱۴۰۸). *الوسیله*. چاپ اول، قم: چاپ خیام.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵). *القضاء و شهادات*. قم: باقری، کنگره شیخ انصاری.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۶۷). *المعجم الوسیط*. جلد اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- برخوردار مهنی، علیرضا، حاجی تبار فیروزجائی، حسن و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی حقوق دفاعی متهم تحت نظر در نظام حقوقی ایران، انگلستان و امریکا. *فصلنامه علمی نظارت و بازرسی*، ۱۳۹۸، (۵۰)، ۴۴-۱۳. قابل بازیابی از:
- [http://si.jrl.police.ir/article\\_94357.html](http://si.jrl.police.ir/article_94357.html)
- تدین، عباس (۱۳۸۸). *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد سوم، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- حیدری، الهام (۱۳۹۳). *اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵ (۲)، ۸۹-۱۱۰. قابل بازیابی از:
- [https://jol.guilan.ac.ir/article\\_50.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_50.html)
- خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). *فرایند کیفری (مجموعه مقالات)*. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- خواجهوند، مظاهر و احمدی، محمد مهدی (۱۳۹۹). بررسی جایگاه ابزارهای قضایی نوین در حقوق کیفری. *فصلنامه علمی نظارت و بازرسی*، ۱۳۹۹، (۵۴)، ۸۵-۱۰۶. قابل بازیابی از:

[http://si.jrl.police.ir/article\\_95531.html](http://si.jrl.police.ir/article_95531.html)

Doi: 10.22034/SI.2021.95531

- زراعت، عباس (۱۳۹۲). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی. چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- شهید ثانی، زیدالدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الافهام إلى تنقيح شرايع الاسلام. جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلام.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۶۴). علم اصول. ترجمه نصرالله حکمت، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عاملی، شیخ حر (۱۳۹۱). وسائل الشیعه، جلد هجدهم، تهران: انتشارات اسلامیة.
- قرجه‌لو، علی‌رضا (۱۳۸۶). قرائن و امارات در حقوق کیفری ایران و انگلیس. (رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). اثبات و دلیل اثبات. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- کریم‌زاده، احمد (۱۳۸۱). آراء دادگاه‌های عالی انتظامی قضات در امور کیفری. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- کلانتری، کیومرث و سلمانپور، عباس (۱۳۹۸). جایگاه علم قاضی در اثبات امر کیفری در حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۰ (۲)، ۱۶۵-۱۸۶. قابل بازیابی از:  
[https://jol.guilan.ac.ir/article\\_3889.html](https://jol.guilan.ac.ir/article_3889.html)
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۴). حقوق کیفری تطبیقی. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مختاری، رحیم (۱۳۹۳). ارزیابی قضایی ادله اثبات دعوی. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- موحدی، جعفر (۱۳۹۵). مبانی معرفت‌شناختی آیین دادرسی کیفری در فقه امامیه، قوانین موضوعه ایران و حقوق اروپایی. (رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی)، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

- محقق داماد، سیدمصطفی و کیخای‌فرزانه، محمدامین (۱۳۹۷). تحلیل ادله اثبات دعوا با توجه به جایگاه علم قاضی؛ مطالعه موردی تعارض ظواهر و اصول عملیه. پژوهش‌های حقوقی - قضایی، ۳ (۱)، ۷-۴۰. قابل بازیابی از: [https://jplrjournal.edalat.ac.ir/article\\_31249.html](https://jplrjournal.edalat.ac.ir/article_31249.html)
- مؤذن‌زادگان، حسن علی (۱۳۷۹). علم قاضی. مجله پژوهش حقوق و سیاست، نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. جلد چهارم، چاپ سوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۲). آیین دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: (بی‌نا).
- همت، مسعود و حیدرپور، حمیدرضا (۱۳۹۶). جستاری بر رویکرد نظام کیفری ایران به اثبات معنوی (با تکیه بر مفهوم علم قاضی). تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۴ (۱۳)، ۱۱۵-۱۵۱. قابل بازیابی از: [https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_12598.html](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_12598.html)
- Christopher, A. (2004). *Practical Guide to Evidence, 3rd ed., Publishing London.*
- Eggleston, R. (1983). *Evidence, Proof and Probability. 2nd ed.*
- Hales, J. (2013). *Criminal Evidence. Cengage Learning. 1st ed., Boston.*
- Packer, H. (2013). *Two Models of the Criminal Process, University of Pennsylvania Law Review.*
- Signorelli, W. P. (2011). *Criminal Law, Procedure and Evidence, 1st ed., Florida: CRC Press.*
- Thompson, Sandra. (2008). Guerra, Beyond a Reasonable Doubt? Reconsidering Uncorroborated Eyewitness Identification Testimony. *U C Paris Law, Review*, Vol. 41.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی